

آینه

یادداشت: «خرداد۶۷ قرار نبود پیروز شویم»؛ سعید حجاریان

«اصلاحات زنده است» در زنده و پویابودن اصلاحات نباید شک داشت امااصلاحات فرآیندی آماده نیست بلکه باید خشت روی خشت گذاشت و برای رسیدن به آن تلاش کرد. نکته دیگری که همواره باید مدنظر اصلاحطلبان قرار گیرد این است که بداندند هدف از شرکت در انتخابات، الزاما پیروزی نیست. در انتخابات سال ۷۶ که همگان آن را پیروزی بزرگ جریان اصلاحطلب می دانند، اصلا قرار نبود که پیروز شویم، هیچ تصویری هم برای پیروزی وجود نداشت بلکه هدف این بود پنج یا شش میلیون رای بهنفع کاندیدای اصلاحطلبان به صندوق ریخته شود تا بتوانند پس از آن انتخابات فعالیت خود را ادامه دهند. اصولگرایان را نباید از اصلاحطلبان تفکیک کرد چون آنها هم اصلاحطلب هستند هرچند ابراز نمی کنند. اصلاحطلبان و اصولگرایان می گویند مشکلاتی وجود دارد و این نقطه مشترک بزرگی بین دو جریان سیاسی کشور است. می‌شود با آنها صحبت کرد و اشتراکات را یقت. به‌عنوان نمونه، در مسایل اقتصادی؛ بسیاری از نظرات دو جریان مشترک است، پس می‌شود اشتراکات را پررنگ کرد یا در دیگر حوزه‌ها مثلا در زمینه مبارزه با موادمخدر یا آسیبهای اجتماعی، چکهای برگشتی و غیره، مگر اینها موضوع نیستند؟ پس می‌شود با جریان رقیب صحبت کرد. باید گفتوگو کرد. تجربه نشان داده که راه تندرانه و رادیکال ثمر نمی‌دهد.

روحانی

سرمقاله: «روحانی تنهای تنهای تنها»؛ به قلم محمدعلی وکیلی

هنوز زود است که گفته شود محبوبیت روحانی رو به کاهش است چراکه مردم همچنان امید به تدبیرش دارند و نگاهشان به روزهای آفتابی آینده است. ولی بی‌شک روحانی از نظر یاران هم‌گفتمان، تنها مانده است. از جمله دلایل تنهایش اینکه خود مجبور شد یک‌تنه وارد صحنه شود و پالستختگوی سیل انقذات، اعتراضات و فشارهای مهندسی شده باشد. در میدان رویارویی نفس گیر و در مقابل فشار بی‌امان گروه‌های خاصی، هیچ صدايي به‌جز صدای شخص روحانی به گوش نمی‌رسد. گو اینکه دولت به تمامی در شخص خودش خلاصه شده است. او هم باید پاسخگوی ضعف اجرایی تیم همکاران باشد و هم یک‌تنه وضعیت و موقعیت بدنه اجتماعی باشد. روحانی یا باید به‌مفاند احمدی‌نژاد و خاتمی روی صحنه بازیگر باشد یا باید همچون هاشمی پشت‌صحنه نقش‌آفرینی کند. درمان این تنهایی در دست خود روحانی است. او باید برای برون‌رفت از شرایط کنونی، تدبیری بیندیشد و هزینه‌سرماسم را ادامه راه را نپردازد و این بار را یک‌تنه بر دوش نکشد. روحانی خوب می‌داند که هنوز وقت باقی است.

۲۵سال

یادداشت: «۲۵سال دشمنی، ۲۵سال مقاومت و ایستادگی»؛ حسن رشوند
شرایط امروز مشابه شرایط سال‌های ۶۰ و ۶۱ است، اگر آن‌روز جماعتی با عشق به وطن و صیانت از ارزش‌های معنوی و مادی یک ملت در مقابل دشمن برای آزادی کشورشمر با دست خالی جنگیدند و با مقاومت خویش پیروزی را برای ملت خویش به ارمغان آوردند، امروز اگر چه از لحاظ فناوری‌های نظامی و دستاورد علمی و تکنولوژیکی غیرقابل مقایسه با آن‌سال‌ها هستیم ولی به‌کارگیری ادبیات مقاومت و ایستادگی در عرصه‌هایی که محل چالش ما با غرب سلطه‌گر است و فناوری هسته‌ای و کوانتایمنان از حقوق ملت ایران نمونه بارز آن است و بارها نشان داده‌ایم که می توانیم غرب مستکبر را با فرهنگ مقاومت و ایستادگی تسلیم خواسته‌های خویش کنیم.

کیهان

سرمقاله: «برخورد جهادی با مفسدان اقتصادی»؛ حسین شمسیان

چندروز قبل که معلان اول رییس‌جمهور، اعلام کرد دولت یازدهم در مبارزه با فساد شعار نمی‌دهد بلکه عمل می‌کند، به‌طور طبیعی امید به بهبود اوضاع در دل مردم تقویت شد. اما اگر هم‌زمان با این وعده و شعار دلگرم‌کننده، شواهدی حاکی از نفوذ و چولان مفسدان را مشاهده کنند، نفعشان در تحقق وعده مسئولان تردید می‌کنند، بلکه نگران سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه می‌شوند که در معرض دستبرد مفسدان قرار گیرد. یک نمونه از این وضعیت، بحث معوقات بانکی است که دیرزمانی است سبب دغدغه مردم و شعار مسئولان شده است. مردم بارها شنیده‌اند که معوقات بانکی به مرز خطرناکی رسیده است و کسی هم اقدام جدی برای بازستاندن آنها به‌عمل نمی‌آورد... طبیعی است وقتی مدعی‌العموم می‌تواند به‌عنوان حافظ نظم و امنیت جامعه، کسی را که مرتکب یک جرم ساده و اندک شده مورد تعقیب و مجازات قرار دهد و بحق نیز چنین می‌کند، می‌تواند-و باید- قاطعانه در برابر کسانی که با پروپمی و گردن‌کلفتی دستشان را در کیسه مردم کرده و با ثروت آنها امنیت اقتصادی و اجتماعی و حتی بعضا سیاسی‌اشان را تهدید می‌کنند، برخورد کند.

فرسان

«اولیتماوم جدید به مدیران بانک‌ها درباره بدهکاران»
پس از انتخابات مسئولان اجرایی و قضایی از نحوه رسیدگی و پیگیری بازپرداخت وام‌های بدهکاران بزرگ بانکی، تعدادی از مدیران ارشد بانک‌های دولتی با ارسال نامه‌هایی به مسئولان مناطق و شعب مهم خود، از آنها خواسته‌اند ضمن دعوت سریع از بدهکاران مذکور، تقاهم حاصله را طبق یک صورتجلسه رسمی ظرف ۱۵ روز از بلاغ این بخشنامه، به ستاد مرکزی بانک‌ها ارسال کنند.

سیاست

گفت‌وگو با «محسن کنگرلو» در سالروز ورود «مک فارلین» به ایران:

اخبار و اطلاعات به امام می‌رسید

مهسا جزینی



که وقتی آمریکایی‌ها به ایران آمدند؛ متوجه شدند، وعده‌هایی که قربانی‌فر به آمریکایی‌ها داده درست نبوده و اینکه برای ستا‌بزدگی بیهوده درگیر ووده و وعید یک دلال اسلحه شده‌اند. مثل آزادی‌بی‌درنگ گروگان‌ها یا همان وعده دیدار با مسوولان. آنها مدعی شده بودند این قول‌ها از سوی شما به قربانی‌فر داده شده بود.

آقای «قربانی‌فر» اگر هم چیزی به آنها گفته نه از طرف ما ماموریت داشته و نه ما ضامن گفته‌های او بودیم. ما هیچ قولی به آمریکایی‌ها نداده بودیم، البته در قضیه آزادی گروگان‌ها چون یک مساله انسانی بود ما همواره حسن نیت داشتیم. یادم هست که همان زمان چند فرانسوی هم گروگان گرفته شده بودند و ما پادرمیانی کردیم تا آزاد شدند. «ژاک شیراک» هم که در انتخابات دور دوم فرانسه پیروز شده بود کلی از دولت ایران و نخست‌وزیر بابت همکاری در آزادی گروگان‌ها تعریف کرد. ما نشان داده‌ایم که طرفدار ترور و گروگانگیری نیستیم و حسن‌نیت هم نشان دادیم.

۴ پس هیچ قولی به آنها نداده بودید؟
نه، من به هیچ‌کسی قولی نداده بودم. تا جایی که من یادم هست؛ باورمان نمی‌شد که آمریکایی‌ها ریسک کنند و بیایند.

۴ آیا خواسته برقراری رابطه با ایران به صراحت بیان شد؟
طبیعی بود می‌خواستند که رابطه برقرار کنند چون به نفعشان بود. البته در همان زمان کوتاه هم ما توانستیم استفاده خود را ببریم، فقط در یک مرحله ۱۱ هزار قطعات «هاگ» گرفتیم. بیش از ۷۰ پرواز دشمن را در عملیات «فاو» زدیم، به همین علت توانستیم روی آروند پل بزنیم و «فاو» را بگیریم.

۴ در کتاب ماجرای «مک فارلین» آمده؛ هاشمی ۱۷مراد به نخست‌وزیر می‌گوید، به کنگرلو بگوید پول قطعات هاگ آمریکایی را تا آمدن هواپیما می‌پردازد، چرا؟
دوم حامل موشک «تاو» و لامپ موشک «هاگ» اطلاعاتی در این خصوص ندارم. اتفاقا آقای «هاشمی» موافق بود که پول داده شود. ولی گفته شد که گران بوده ولی نه از طرف آقای «هاشمی»، از طرف برخی افرادی که آن زمان مسوول بودند که من هم با آنها بحث کردم که اینطور نیست. ۱۲۵۰ دلار برای یک موشک و فوایدی که برای ما در جنگ می‌آورد، پولی نبود.

۴ این ادعا که کلاه‌ها مارک اسرائیلی داشتند؛ چقدر صحت دارد؟

هر کشوری که موشک «تاو» نیاز داشت باید از آمریکا می‌خرید. من حدس می‌زنم، از یکی از انبارهای مهمات آمریکا در منطقه این موشک‌ها را فرستاده بودند. در مرحله نخست ورود محمولات به فرودگاه، من چند پالت را باز کردم ولی مارک اسرائیلی ندیدم.

۴ ولی ادعا می‌شود بخشی از محموله را که مارک اسرائیلی داشتند؛ قرار شد پس بفرستید.

مارک اسرائیلی نداشت. در فرودگاه قطعاتی برای ما فرستاده بودند که نیاز نداشتیم. ما قطعات «هاگ» می‌خواستیم، آنها موشک «هاگ» فرستاده بودند برای همین مرجوع کردیم. ما موشک «هاگ» نمی‌خواستیم. موشک داشتیم، قطعات کم داشتیم.

ولی من یک کپی از آن را به مجمع تشخیص آوردم و به آقای ناطق‌نوری دادم، آقای ناطق هم با شورای نگهبان تماس گرفتند» او ادامه داد: «آقای لاریجانی هم غروب روز رای‌گیری به شورای نگهبان رفتند، شب هم به وزارت هاشمی خیلی خوب عمل کردند و متخالفان را ناکام ماندند.»او درباره برگزاری انتخابات هم گفت: «آقای ناطق‌نوری صبح روز انتخابات گفت این انتخابات یک‌مرحله‌ای است و... آقای علی لاریجانی و آقای ناطق‌نوری کمک زیادی کردند. درصداها بالا‌پایین می‌شد. ۴۸درصد، ۴۹درصد، ۵۳درصد و... من در جریان ریز قضایا بودم، بحث تفهیر قانون مطرح شده بود که دقیقا ماده آن را به خاطر ندارم آقای لاریجانی و ناطق پیگیر قضایا بودند»

سران بود؟ بر اساس گزارش «فارین‌پالیسی» به نقل از «مک‌فارلین» به نظر می‌رسد هیات آمریکایی از مواجهه با مذاکره‌کنندگان ایرانی انتظارات دیگری داشتند. از صحبت‌های آقای «هاشمی» و دیگران هم می‌توان دریافت که گویا طرف ایرانی از مواجهه با این هیات در این سطح و خواسته‌هایشان شوکه شده‌بوده و برای همین در چند روز، نمی‌توانسته با یک دستور کار مشخص با هیات آمریکایی روبرو شود. آیا این تردید در جلسه سران صحت دارد؟

بله. تقریبا برای همین قرار شد که ما سناریویی داشته‌باشیم مبنی براینکه قدم به قدم جلو برویم و هم‌را بر هر یک از خواسته‌های ما درخصوص تأمین تسلیحات، از آن طرف یک گروگان آزاد شود. با این حال معتقدم اگر آنها کسی صورتور بودند، احتمال داشت که ما هم بتوانیم به یک تصمیم منسجم و توافق جمعی برسیم.

۴ احتمال داشت به خواسته‌شان برای ملاقات با سران نظام برسند؟

آن زمان اگر ما اقدامی می‌کردیم که منجر به آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان می‌شد و در مقابل آنها هم تجهیزات نظامی‌ای را که ما برای پیروزی در جنگ نیاز داشتیم به ما می‌دادند امکانش بود که آقایان به آنها اجازه ملاقات بدهند اما به خاطر عجله‌ای که آنها داشتند کاری انجام نشد.

۴ این تعجیل در صحبت‌های «مک فارلین» هم مشخص است که در واکنش سخنی گفته بود با این مضمون که اگر ما برای معامله پوست به روسیه رفته بودیم بیشتر از ما استقبال می‌شد.

بله. ولی به هر حال اینجا ایران بود و انقلاب شده بود. انتظارات و خواسته‌ها متفاوت بود. اما موضوع سوم این بود که آنها فقط به دنبال حل مساله گروگان‌ها نبودند. می‌خواستند بعد از آزادی آنان برای پیروزی در جنگ به ما کمک کنند چون صدام، مطلوب آمریکا نبود. اگر بود که دو هزار تانک «تی-۷۲» از روس‌ها نمی‌گرفت. ما هم نه آمریکایی بودیم و نه روسی. انقلاب کرده بودیم و حرف جدیدی برای گفتن داشتیم. یادم هست در یکی از جلسات «ریگان» تلفن کرد و به «نورث» گفت ما حاضریم ایران جنگ را ببرد به‌شرطی که ایران، ترکیه و عربستان هر سه در تعیین حکومت آینده عراق سهیم باشند.

۴ ولی در صحبت‌های قبلی‌تان گفته بودید آمریکا می‌خواست نه ما برنده شویم و نه صدام.

بله. ولی در آن مرحله گفت تنها به این شرط خاص، حاضرم به شما کمک کنیم. در شرایطی که توافق دو کشور دیگر هم باشد. در واقع این یک معامله «برد- برد» بود.

۴ این پیشنهاد «ریگان» به مسوولان منتقل شده بود؟
من هر چه بود را منتقل می‌کردم. در آن زمان منافع ایران و آمریکا، یعنی دو دشمن در یک لحظه کوتاه تاریخ یکی شده بود و این دست اشخاص هم نبود. زمانه و اوضاع سیاسی آن را پیش آورده بود.

۴ در کتاب ماجرای «مک فارلین» آمده است

«روحانی» را من ندیدم. دکتر «هادی» مترجم بود. کسی به‌عنوان مذاکره‌کننده به آن صورت نبود. منظورم کسی است که بتواند تصمیم بگیرد و رایه طریق کند.

۴ مگر قربانی‌فر نمی‌توانست نقش مترجم را ایفا کند؟

نقش او در حد یک عامل بود نه بیشتر.

۴ در خاطرات آقای هاشمی اما آمده است که قرار شده مذاکره را در حد دکتر «روحانی»، «وردی‌نژاد»، و «صادی» مخفی نگه داریم و مذاکره محدود به موضوع گروگان‌ها در لبنان باشد. در گزارش «فارین پالیسی» هم که چندی قبل منتشر شد به نقش و گفته‌های روحانی در مذاکرات اشاره شده بود و اینکه او از نام مستعار استفاده می‌کرده «مک‌فارلین» امید داشته که «روحانی» کلید موفقیت در این مذاکرات باشد و «روحانی» هم آنها را به صبر دعوت می‌کند.

من در جریان نیستیم. می‌دانم که ایشان مطلع بود و در جلسه‌ای که صحبت شد ایشان هم در جریان قرار گرفته بود. اما در آن جلسه، هیات آمریکایی حضور نداشت. یعنی تا زمانی‌که من حضور داشتم آقای «روحانی» را با «مک فارلین» ندیدم.

۴ در چند جلسه حضور داشتید؟

زمانی که «مک فارلین» را از فرودگاه به هتل بردیم و جلسه اول که ماه رمضان بود. من نمود اما در جلسات بعد حضور نداشتیم. همه صحبت «مک‌فارلین» هم این بود که می‌خواهد با مسوولان نظام مذاکره کند.

۴ این درخواست را قبل از آمدن به صراحت نگفته بودند؟

نه. چون آمریکایی‌ها در وهله اول با آمدنشان می‌خواستند بگویند که ما حسن‌نیت داریم. به هر حال انتخابات آمریکا نزدیک بود و جمهورخواهان می‌خواستند که در موکرات‌ها

پیروز شوند. تصور می‌کردند اگر به هر شکلی مساله گروگان‌ها را به سرعت حل کنند پیروزی‌شان تضمین‌شده است. به نظرم اگر عجله نمی‌کردند و کمی صبر می‌کردند مشکل‌شان یعنی آزادی گروگان‌ها حل می‌شد. چند موضوع باعث شد کار خراب شود. یکی خود شخصیت «مک فارلین»

بود که فرد عجول، عصبانی و کم‌صبری بود. اگر «اولیور نورث»، مسوول هیات بود شاید قضیه طور دیگری می‌شد. «نورث» آدم بسیار صبور و عمیق و مسلطی بود. دوم اینکه پیش خودشان فکر می‌کردند که با آمدنشان؛ حسن‌نیت نشان داده‌اند و می‌توانند بگویند که دیگر از این بهتر نمی‌شود که ما می‌آییم تهران در حکم گروگان شما می‌مانیم تا شما همه گروگان‌ها را به سرعت آزاد کنید و تا ما به تعهد خود عمل نکرده‌ایم، شما نگذارید از تهران خارج شویم. در نتیجه هم ما در انتخابات موفق شویم، هم کاری می‌کنیم که شما جنگ را ببرید. اما ما به آنها اعتماد نداشتیم، چون ممکن بود آنها به قول و قرارشان پایبند نمانند. از سویی گروگان‌ها که دست ما نبود اما قرار بود، واسطه خیر شویم.

۴ یعنی این تردید میان همه اعضای جلسه

۴ آقای «هاشمی» بارها گفته‌اند که در قضیه «مک فارلین» امام در جریان همه جزئیات بوده‌اند اما برخی می‌گویند که امام از جزئیات موضوع خبر نداشته‌اند و در اطلاع‌رسانی قضیه به کلیات اکتفا می‌شده. سوال من این است که مسوولان تا چه اندازه در جریان جزئیات و تصمیمات این قضیه بودند؟

اینکه آیت‌الله «هاشمی» فرموده‌اند که همه مسوولان نظام در جریان بوده‌اند، درست است. چون من گزارش ماموریت‌های خودم را در جلسه سران سه قوا، کتبی و شفاهی ارایه می‌کردم.

۴ اطلاعات از چه کانالی به امام منتقل می‌شد؟
همان گزارش جلسه به ایشان ارایه می‌شد یا از طریق آیت‌الله «هاشمی» یا سید احمد آقا؟

به نظر من، هم آقای «هاشمی» ارتباط نزدیکی با حضرت امام داشتند و هم آمدن «سیداحمدآقا» به جلسات نشانگر این بود که این اخبار و اطلاعات و بحث‌ها به ایشان می‌رسید. ما از قدیم از مدرسه رفاه با هم رفیق بودیم. یادم هست یک شب با ایشان از جلسه بیرون می‌آمدیم. به من گفت «کنگرلو» چقدر رگش زرد شده بود. ما برای همین آسانسور گذاشته بودیم برای ایشان چون با رفتن از پله برایشان مشکل بود. من از ایشان سوال کردم که ما الان کارهای امنیتی و سری انجام می‌دهیم می‌خواهم بدانم که امام از همه این کارها مطلع است؟ ما سرپاز ایشان هستیم و باید مطیع فرمان ایشان باشیم. گفت من عین جمله شما را به ایشان اطلاع می‌دهم.

۴ شما واقعا در همان فرودگاه متوجه هویت سرنشینان آمریکایی هواپیما شدید؟
بله.

۴ مگر شما نتققتید که به آنها گفته بودید با پاسپورت ایرلندی بیایند؟

بله، ولی هویتشان را به ما نگفته بودند.

۴ آیا شاکی بودند که چرا با یک اتومبیل کهنه برای بردن آنها به هتل به فرودگاه رفته‌اند.

خودم با ماشین از فرودگاه با «مک فارلین» با هم به هتل استقلال رفتم. کهنه هم نبود. بنز تشریفات بود ولی معمولی بود.

۴ اینکه «قربانی‌فر» که در کودتای نوزده دست داشته و محکوم شده چقدر صحت دارد؟

بله دست داشت و فراری بود اما سیاست جمهوری اسلامی ایران در آن موقع این بود؛ کسانی که جرمی مرتکب شده‌اند اگر توبه کنند و برحسب حکم قاضی اگر آن فرد به نظام جمهوری اسلامی کمک کند جرمش بخشوده می‌شود. «قربانی‌فر» در جاهای دیگری هم به جمهوری اسلامی کمک کرده بود.

۴ عکس و اسامی هیات آمریکایی‌ای که به ایران آمدند از روی پاسپور نشان، در کتاب ماجرای «مک فارلین» آورده شده اما عکس «قربانی‌فر» پیدشان نیست. در کتاب آمده که او زودتر به ایران آمده بود.

«قربانی‌فر» در حاشیه بود.

۴ افرادی که برای مذاکره انتخاب شدند آقایان «وردی‌نژاد»، «هادی»، «وحیدی» و «روحانی» بودند درست است؟

ادامه از صفحه اول

استاد، ۲ نظریه و یک هدف

با مسایل روانی و اجتماعی او را در نظر نگیرد، باز هم کار غیرعلمی انجام داده است. فرمایش جناب آقای دکتر عباسیون دقیقا‌مبتنی بر راهنماهای بالینی کشورهای پیشرفته غربی است. در مجامع علمی هرگز یک نسخه پیچیده‌شده برای یک بیماری وجود ندارد، بلکه نسخه‌ای برای بیمار پیچیده می‌شود که سن، جنس، عوامل اجتماعی، مرحله بیماری و دهها مولفه دیگر بر آن تأثیر می‌گذارند. این همان شاخص روشن «اندیکاسیون» در نظام طبابت است. یادمان باشد که پزشک اگرچه عاطفه را در نظر می‌گیرد اما هرگز واقعیت را فراموش نمی‌کند و مبتنی بر شواهد علمی باید طبابت کند تا مبادا از کیفیت و کمیت زندگی غافل شود و یکی را فدای دیگری کند. رعایت این نکات یعنی طبابت عالمانه و دلسوزانه که بحمدالله در پیشکسوتان خدوم جامعه پزشکی کشورمان به‌طور محسوس‌تری ملموس است. به همین دلیل در تمام کشورهای پیشرفته «راهنماهای ملی سلامت» خدمتشی طبابت را مشخص کرده‌اند و شما هیچ کشوری را نخواهید دید که از این مهم غفلت کرده باشد. امیدوارم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هم با توجه به تکلیف حقوقی و قانونی خود، نسبت به تدوین و گسترش و اجرای این راهنماها اقدام جدی معمول دارد، تا ز بروز ظاهری چنین تناقضی در نیل به هدف مشترک پیشگیری شود.

زنان را باور کنیم

همچنین در چارچوب شعارها، وعده‌ها و برنامه‌های دولت تدبیر و امید از جمله «رعایت‌اصل شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی و توزیع برابر فرصت‌ها بدون هرگونه تبعیض»، بانک جامع اطلاعاتی زنان مدیر و نخبه به‌عنوان یکی از برنامه‌های در دست اقدام معاون مطرح است تا بتوانیم به شناخت جمعی از مدیران فرهیخته‌ت زن در کشور و معرفی آنها به دستگانه‌ها و نهادهای مرتبط دست یابیم. تردیدی نیست که ادامه عدم‌اعتماد به شایستگی‌ها و توانمندی‌های زنان و جوانان در این مسیر و محروم‌کردن جامعه از این خزان و استعدادهای الهی، کفران نعمت و فرصت‌سوزی است که بخوانند متعالم و آیندگان، آن را بر ما نخوانند بخشید. بیاییم زنان و جوانانمان را باور کنیم.

نظامیان مصر تکرار خطاهای پیشین

ژنرال السیسی بیش از ۹۰درصد آرای مصری‌های مقیم خارج را به دست آورد. اگر این نمونه را در انتخابات سراسری داخلی مصر به‌عنوان ملاک و معیار انتخاب بگیریم، ژنرال السیسی بی‌تردید و با فاصله بسیار زیاد از رقیب خود پیشی می‌گیرد و به‌عنوان رییس‌جمهور جدید مصر وارد کاخ ریاست‌جمهوری خواهد شد. حال باید دید که آیا مصر می‌خواهد تجربه قرن پیشین را تکرار کند یا اینکه ژنرال سیسی موفق خواهد شد که وضعیت بحران‌زده اقتصاد مصر را بهبود بخشد، اوضاع حقوق بشر را رعایت کند و یک آشتی ملی را مدیریت کند و کشور را به سوی پیشرفت و ترقی هدایت خواهد کرد. این پرسش، ذهن بسیاری از ناظران سیاسی را به خود مشغول کرده است. جامعه مصر پس از تحولات اخیر به شدت قطب‌بندی شده و به لحاظ سیاسی باشکاف عمیق افقی و عمودی روبه‌رو شده است. اگر اکنون از روشنفکران سکولار مصری بپرسیم: آیا نظامیان در شرایط جدید مصر موفق به بازگرداندن این کشور به جایگاه واقعی‌اش در منطقه خواهند شد یا خیر؟ پاسخ آنها این خواهد بود: کشور مصر به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، در وضعیتی نیست که بتواند گام در مدل مدرن الگوی دموکراسی بگذارد. بنابراین نظامیان که همه ساختارهای اقتصادی این کشور را در دست دارند ناگزیرند با جهان امروز تعامل مثبت داشته باشند که در نهایت، جنبه‌های محدودی از دموکراسی را به ارمغان خواهند آورد، اما اگر همین پرسش را از روشنفکران مستقل و مسلمان در میان بگذاریم، پاسخ به کلی متفاوت خواهیم شنید: نظامیان مصر از پایه و اساس با دموکراسی بیگانه بوده و مصر به دلیل همجواری‌اش با اسرائیل همواره تحت‌تأثیر این عامل خواهد بود. به عبارت دیگر اسرائیل هنوز از استراتژی تضعیف نیروهای رقیب قدرتمند عرب خود دست برنداشته است. آنها به نمونه‌هایی نظیر عراق، سوریه و مصر، سه کشور بزرگ عربی که همواره برای اسرائیل نگران‌کننده بوده، اشاره می‌کنند. سروشوست عراق به همان شکل درآمد که همه دیدند. سوریه به وضعیتی دچار شده که همگان می‌بینند. مصر نیز (بهترین باور) باید کمابویش در وضعیتی غیرتهدیدکننده برای امنیت اسرائیل باقی بماند. ناظران سیاسی در ارزیابی‌های خود از تحولات مصر به نگاه اسلامگرایان این کشور نزدیک‌تر هستند. این ناظران می‌گویند اگر نظامیان توان و مهارت بیشتری برای اداره بزرگ‌ترین کشور عربی داشتند، در سایه حمایت‌های کم‌نظیر آمریکا از این کشور طی دو دهه گذشته وضعیت مصر بهبود می‌یافت و به اوضاع کنونی دچار نمی‌شد. بنابراین نظامیان در شرایط جدید چه چیزی می‌خواهند به کارنامه ناموفق خود بیفزایند که از انجام آن طی دهه‌های گذشته خود بپوشند؟ در نتیجه و در یک نگاه کلی، مصر به دلیل وجود شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی و به دلیل همجواری‌اش با مقوله‌ای بنام امنیت اسرائیل، تا اطلاع ثانوی دستخوش بحران خواهد بود. شاید این همان چیزی باشد که قدرت‌های بزرگ و اسرائیل خواهان آن هستند.